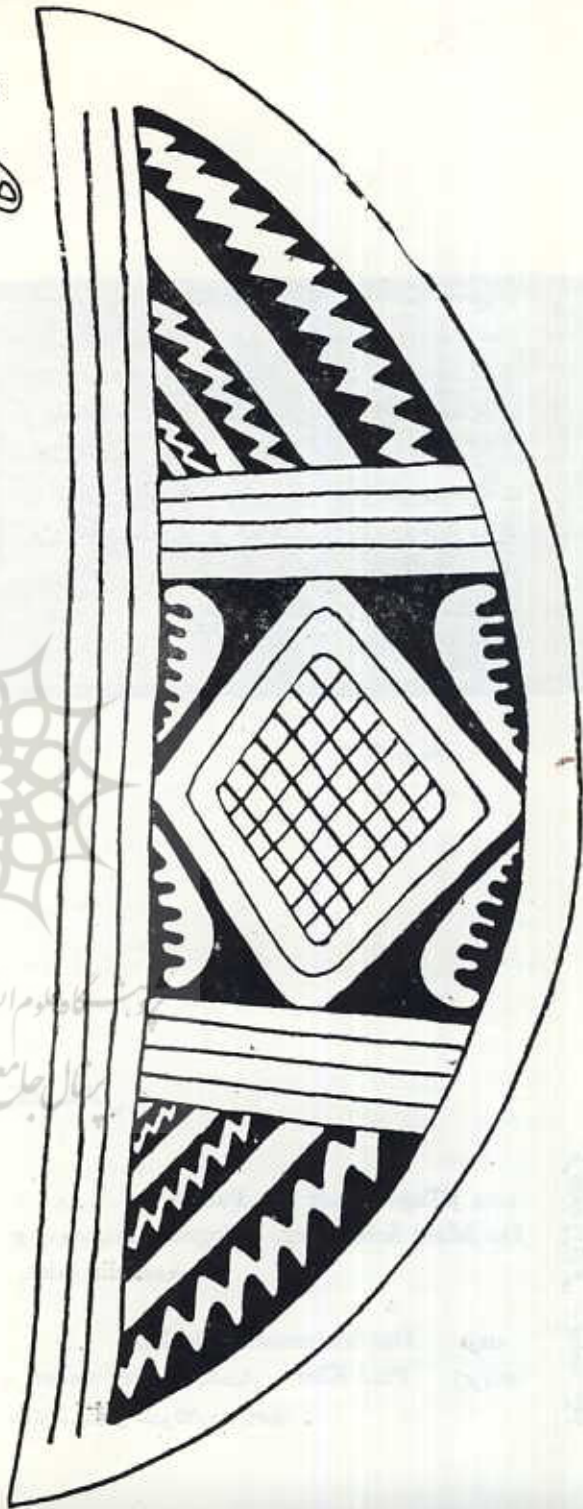


هنر سرخپوستان

از مدت‌ها قبل، هنر سرخپوستان به‌عنوان نشانهٔ بارزی از مراسم مذهبی و اجتماعی قبایل گوناگونی که در آمریکای شمالی سکنی گزیده‌اند، شناخته شده است. تنها در دهه‌های اخیر انسانهای بیشتری از زیبایی، هنرمندی و مفهوم این نقاشیهای روی طبل‌ها و سپرها، کنده‌کاری روی سنگها و عاج‌ها، تزیین پارچه‌ها و پوست گاو میش آمریکایی آگاه شده‌اند.

نورمن فدر سرپرستی بخش هنرهای بومی و سرخپوستان آمریکا درموزه‌های دنور^۲ کلورادو را به‌عهده دارد. تخصص مردم‌شناسی است، چندین سال سردبیر مجلهٔ دو هفته‌گی «سنن سرخپوستان آمریکا» بوده و نویسنده کتاب «هنر سرخپوستان آمریکا» است. این مقاله تلخیصی از کتاب او به‌نام «دویست سال هنر سرخپوستان آمریکای شمالی» است.

از نظر سنتی، بیشتر سرخپوستان آمریکا هنرمند نبوده بلکه افرارمند بوده‌اند. و از آنجایی که بیشتر خانواده‌ها از دیگران بی‌نیاز بودند و آنچه را که احتیاج داشتند خود تهیه می‌کردند، هر یک از آنان حرفه‌ای سودمند مثل: کوزه‌گری، سبد بافی، کنده‌کاری روی چوب یا ظروف استخوانی و پارچه‌بافی را برای خود برمی‌گزیدند. مهارت فنی در همه‌جا ارجمند بود و کوشایی با تحسین روبرو می‌شد تا آنجایی که زنان دربارهٔ تعداد پوست گاو میشی که دباغی کرده یا میزان آستری که برای «تدپی»^۳ - چادرهای مخروطی شکلی که برای سکونت به‌کار می‌رفت - منجوق‌کاری کرده، لاف می‌زدند. اهمیت کمتری به‌جنبهٔ نوآوری هنری داده



می‌شد، چون ضابطهٔ سلیقه معمولاً در محدودهٔ معینی مشخص بود.

به هر حال، بعضی از کارهای حرفه‌ای بیشتر به خاطر ارزش حیثیتی آن مورد حمایت قرار می‌گرفت تا برتری فنی و این موضوع در مورد آشیایی از قبیل: مرجان قرمز و فیروزه در جنوب شرقی، یا روکش دندان در دشتهای وسیع که از مصالح گران و نادر ساخته می‌شد صادق است. در آن زمان منجوق‌های شیشه‌ای که برای اولین بار توسط سوداگران پوست به دشتهای وسیع برده شد، قیمتی بود و به مقدار کمی در رنگهای معینی وجود داشت. بدین ترتیب هر شیئی ای که با منجوقهای شیشه‌ای آراسته می‌شد جنبهٔ تشخیص داشت، که نه تنها باغ و رویشیده می‌شد بلکه زیبا هم می‌نمود. وقتی پارچه پشمی وارداتی نیز برای اولین بار مورد تجارت قرار گرفت، همان نوع اثر مشابه را داشت، و هر کسی استطاعت خرید آن را داشت از آن به جای پوست گوزن دباغی شدهٔ دستی استفاده می‌کرد.

علاوه بر اعتبار معنوی، عامل دیگری که کاربرد مصالح جدید را تشویق می‌کرد، ارجحیت رنگهای شاد بود. سرخ‌پوستان منجوق‌های رنگارنگ، نوارهای ابریشمی و جوهر رنگ به جای بیشتر رنگهای پاستل بومی را به سرعت پذیرفتند. آنان غالباً برای دوباره رنگ کردن یک صورتک قدیمی یا دیرک توتمی مارنکهای روشن باب بازار، متحمل هزینه و در دسر بزرگی می‌شدند، چون از نظر آنان یک شیئی هر چه نوتر و براتر بود زیبایی بیشتری داشت. با وجود این کلکسیونر معمولی، سرپرست موزه، و متخصص هنر سرخ‌پوستان از این که صورتکی

قدیمی دوباره رنگ شده، یا آن که سرخ‌پوستان نااوجو در فرش‌هاشان به جای رنگهای گیاهی لطیف بومی قدیمی جوهر رنگ به کار می‌برند دریغ می‌خورند. ظاهراً بیشتر افراد غیر سرخ‌پوست حاضر نیستند هنر را از دید یک سرخ‌پوست ببینند، بلکه ترجیح می‌دهند که با دیدی رماتیک وار به آن نگاه کنند.

نمونه‌های مذهبی

در قلمرو مذهب است که با میزان عظمتی از تخصص در نقش یک هنرمند و افزارمند، و پهنهٔ وسیعتری از قوهٔ ابداع در طرح مواجه می‌شویم. مفاهیم مذهبی و ایمازها اغلب قوهٔ تخیل را وسعت می‌بخشند و به این علت دقیقاً با معیارهای مشخص فرهنگی مطابقت ندارند. روش هر فرد (معمولاً مردان) برای یافتن نوعی کمک روحی از طریق جستجوی خیالی تقریباً در تمام قبایل سرخ‌پوست ایالات متحده و کانادا متداول است و عمومیت ندارد.

در دشتهای وسیع روال بر این است که جوان سرخ‌پوست یک و تنها برای سه چهار روزی بیرون بزند، معمولاً به تنگ کوهها. در آنجا او عبادت می‌کند، روزه می‌گیرد و گاه ریاضت می‌کشد (شاید که ارواح به او رحم کنند) تا جایی که خستگی مفرط

- 1 - Norman Feder.
- 2 - Denver.
- 3 - Tepee.
- 4 - Navajo.

موجب نوعی رویا می‌شود. در این رویا، جانوری (واقعی یا خیالی) گیاه یا شیئی بی‌جان، در برابر جوان ظاهر می‌شود و دستوراتی به او می‌دهد که ممکن است وظیفه فرد را در اجتماعش برای بقیه عمر تعیین کند. ممکن است به او گفته شود از بعضی غذاها پرهیز کند، زندگی‌اش را وقف هنر کند، یک مرد جنگی بزرگ شود، با پنج زن وصلت کند، و غیره. ممکن است به او دستوراتی در مورد طلسمی که باید آویزان کند داده شود، طرحی که روی سپرش ترسیم کند، و نیز آوازی که بخواند. یادرموارده نادر می‌شود که به او راجع به یک دین کامل با آوازاها، مراسم پرستش و ترتیبات آن تعلیم داده شود. چنین هنرهای مذهبی بیشتر پیچیده، بکر و مؤثرند تا هنرهای معمولی خانوادگی.

اگر بتوان بین هنرمند و افزارمند فرقی گذاشت شاید این باشد که هنرمند واقعی، خیالپرداز، رویایی و موجد آیین‌های جدید است، و از ورای مرزهایی که فرهنگش بر او تحمیل کرده است درمی‌گذرد و شکلهای جدید هنری را ابداع می‌کند، البته با تثبیت شکل نو، آن نیز بزودی رنگ عرف بدخود می‌گیرد. بنابراین گاه متوجه می‌شویم که بعضی از افزارمندان در کار تولید به سبک جدیدی که به وسیله هنرمند خلق شده است از دیگران ماهرتر می‌شوند. اما باید دانست که اینگونه افزارمندان فوق العاده نیز به سهم خود در پرداخت شکل ابتدایی هنر و جاودانه کردن آن خدمت می‌کنند.

وظایف هنر

از نظر سرخ پوست آمریکایی، ساخته او

وظیفه‌ای دارند. تصور آویزان کردن یک تابلو روی دیوار یا قراردادن یک مجسمه روی پایه، تنها برای تحسین زیبایی آن، به طور کلی برای او ناآشناست. ظاهراً بشر در همه جا از داشتن اشیاء زیبا در اطراف خود لذت می‌برد، و سرخ پوست آمریکایی از این قاعده مستثنی نیست. تقریباً هر چیزی به نحوی تزیین شده است، گرچه بعضی اشیاء نسبت به بقیه بیشتر با گشاده دستی طراحی شده‌اند. همیشه یک مقدار وقت بیشتر صرف تزیین شیئی‌ای می‌شود که اگر تنها قرار بگیرد مفید خواهد بود، و نیز اگر فرصت باشد در آن نوعی مهارت و استادی به کار می‌رود تا بیشتر گیرندگی داشته باشد. از این قرار انتظار داریم تزیینات زیاده‌تر و استادانه‌تری در اجتماعی که فراغت بیشتری دارند پیدا بکنیم، و این خود نیز مسئله‌ای است.

سرخ پوستان حوزه «دشتهای وسیع» معمولاً غذای کافی از گلدهای گاو میش بدست می‌آوردند (بویژه بعد از آشنایی با سب) ، اما به علت زندگی بدویشان، مجبور شدند کارهای هنری خود را به تهیه آثاری محدود کنند که به سهولت قابل انتقال باشند. اشیایی که سرخ پوستان دشتهای وسیع بیشتر شایسته حمل می‌دانستند عبارت بودند از اشیایی که برای بقاء ضروری بودند مثل: غذا، پوشاک، محافظ، ظروف غذاخوری، لوازم شکار، و ابزار مورد احتیاج دباغی. و نیز چیزهایی دارای اهمیت بیشتر بودند که کاربردشان با مراسمی مربوط می‌شد - وسایلی حفاظتی جنگی مختلف، مثل سپرهای نقاشی شده، گرزهای جنگی و طلسم‌ها.

چرا بعضی از اشیاء بدون تزیین رها شده‌اند،

عکس بالا : ماسک صورت کاذب (قبیله سندهکا)
عکس پایین : ماسک شامان (قبیله تلینگیت)

برخی فقط کمی زینت یافته‌اند ، وبقیه به‌طرز
ماهرانه‌ای آرایش شده‌اند ؟ هیچ پاسخی برای این
پرسش نیست ، اما علت‌های ویژه‌ای را می‌توان ذکر
کرد. به‌طور کلی اشیایی که به سهولت می‌شکستند و یا
فقط برای یک بار استفاده ساخته می‌شدند ، تا حدی
تزیین می‌شدند. این‌ها اشیایی بودند از قبیل : تله
حیوانات ، پناهگاه‌های موقتی ، یاسفالهایی که به‌وسیله
مردم خانه‌به‌دوش به‌کار می‌رفت. عموماً پوشاکی که
برای استفاده هر روزه طرح شده بود بدون تزیین
رها می‌شد ، همچنین پای افزارهای نرم تخت‌از پوست
گوزن که خیلی زود پاره می‌شد ، بویژه آنهایی که
مردان در موقع شکار یا مسافرت‌های جنگی می‌پوشیدند.
در این صورت صرف وقت در تزیین اشیایی که عمر
کوتاهی دارند کار عبثی می‌نمود. در مقابل پوشاکی
که برای وظایف مهم در نظر گرفته می‌شدند با نهایت
دقت و مهارت و تا آن‌جایی که فرصت باشد تزیین
می‌شدند. ازدشتهای وسیع گرفته تا سواحل شرقی ،
برای یک زن این خود غرور بزرگی است که به‌تن
شوهرش بهترین جامه ممکن را بپوشاند. البته شوهر
باید مواد خام (منجوق ، پوست ، پارچه) را تهیه
کند و وزن بایستی پوست خام را دباغی کند ، منجوق
دوزی کند ، هم‌را به‌هم ربط دهد و غیره .

هدایای حیثیتی

یکی از علل استادانه آراستن اشیاء مربوط
می‌شد به‌عمومیت داشتن رسم تقدیم هدیه . تقریباً
همیشه در ساختن اشیایی که به‌عنوان هدیه تهیه می‌شد
دقت مخصوصی به‌کار می‌رفت و این وسیله‌ای بود که



ژئوشناسان
رتال جامع علوم انسانی

و به کودکان هدیه می‌شود تا با آن بازی کنند و از در خانه‌هایشان بیاویزند. این عروسکها به سبب بازی آموزشی می‌مانند که بچه‌ها حین بازی چیزهایی نیز راجع به خدایانشان می‌آموزند.

علاوه بر حیثیت، خودخواهی نیز عامل مهمی در اتخاذ تصمیم برای تزیین اشیاء بود. در همه جا مردم می‌خواستند بهترین جامه را بپوشند. مردان زنان و خویشاوندان مؤنث خود را به پارچه‌بافی وامی‌داشتند، و آنان نیز مقدار متنابهی از پوشاکی را که خود می‌پوشیدند تهیه می‌کردند و می‌خریدند. نخستین مسافران به دشتهای وسیع بر این عقیده بودند که مردان معمولی تمام وقت خود را صرف نقاشی کردن، شانه کردن و پوشیدن بهترین جامه و جواهر می‌کنند. خودخواهی او حتی به استادانه آراستن اسبش، و به اشیایی که در رقص غیرروحانی همراه می‌برد نیز سرایت می‌کرد.

علاوه بر خودخواهی و حیثیت به عنوان انگیزه‌های مهم در آرایش اشیاء، تکبر نیز در ساخت

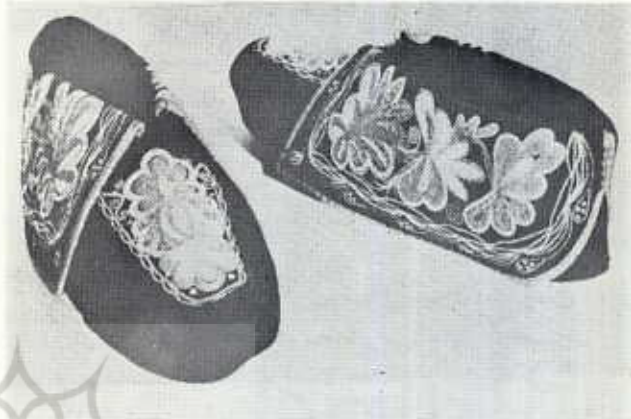
با آن سازنده احترام عمیق خود را نسبت به گیرنده ابراز می‌داشت. ازارهایی از قبیل درفش برای دوخت کفش پوست گوزن، تارکش‌های سیمی که در دوختن پارچه به کار می‌رفت و حلقه‌های دوک نخ‌ریسی، به عنوان هدیه برای خویشاوندان مؤنث به وسیله مردان ساخته می‌شد. در دشتهای وسیع ممکن بود کودکی نوزاد حدود نیم دوجین تخته گاهواره کاملاً منجوق دوزی شده به عنوان چشم‌روشنی از خاله و یا خواهری که دوستش دارند دریافت کند. در میان قبیله هویی^۵ تا بلیتا^۶ - روسری زنانه‌ای را که مردان با ظرافت و استادی زینت داده‌اند - هم رقص مؤنثان در رقص پروانه می‌پوشید. بیشتر قبایل حد اقل یک جشن منظم پیش‌گشی هدیه داشتند، مثل جشن پوتلاچ^۷ در سواحل شمال شرقی. در میان اسکیموها ضیافت پیغام‌آور بود، و در دشتهای وسیع، به عنوان بونی اسموک^۸ معروف است که بارقص سبز درهم ادغام شده است. تمام مراسم عمده جنگلی سرخ‌پوستی به عنوان قسمتی از آداب، مثل رقص فرزندخواندگی، رقص شاونی^۹ به انضمام تقدیم هدایا با سخاوتمندی به شکل ضیافت‌های باشکوه انجام می‌گرفت.

کاجینا^{۱۰} نامی عمومی است برای خدایان سرخ‌پوستان پوبلو^{۱۱} در نیو مکزیکو و آریزونا. در هنگام مراسم در طول سال، مردان ماسک می‌زنند و بارقص و انجام مراسم از خدایان می‌خواهند که باران را نازل کنند، محصول خوب را تضمین کنند، و بیماری را از دهکده‌های آنان دور کنند. شکل‌های کوچک رقصندگان کاجینا که به نام عروسکهای کاجینا شناخته شده‌اند روی چوب کنده کاری می‌شود

- 5 - Hobi.
- 6 - Tablita.
- 7 - Potlatch.
- 8 - Pony Smoke.
- 9 - Shawnee.
- 10 - Kachina.
- 11 - Pueblo.

چپق ، قاشق و ظروف

چه نوع جنسی زینت داده شود، و تا چه میزان، اصولاً به عوالم مذهبی مربوط است. یک متایسه بین اشیایی که برای مصارف دنیوی و آنهایی که برای مصارف مقدس طرح شده‌اند این موضوع را بدخوبی آشکار می‌کند. کشیدن تنباکو، معمولاً مخلوط شده با یک یا چند نوع گیاه دیگر که به نام کی‌ئی کی‌نیک^{۱۴} معروف است در سراسر کشور عمومیت داشت. چپق‌هایی که دودکردنشان برای مصارف غیرروحانی در نظر گرفته شده است، یعنی کاربرد روزانه دارد، ساده و بدون ظرافت ساخته می‌شود.



پای‌افزار چرمی (قبیله هرون)

از سوی دیگر، تنباکو، در قسمت بیشتر دشتهای وسیع و مناطق جنگلی پاک‌گیاه مقدس تلقی می‌شد، و دود کردن تنباکو کاری بود که به مهمترین مراسم دینی مربوط می‌شد. چپق‌هایی که برای کاربردهای دینی تخصیص یافته بود، همیشه زیاد ترئین می‌شد، بعضی وقتها این کار به‌مرور انجام می‌گرفت. سرچپق از سنگ ظریفی ساخته می‌شد (جنس مرغوب اغلب سنگ کاتلینیت بود که سنگ چپق نیز نامیده می‌شد و بیشتر از معادن سنگ واقع در نزدیکی شهر پایستون^{۱۵} مینوسوا استخراج می‌شد) و معمولاً نقش‌های مفصلی از اشکال آدمی و حیوانی داشت. چوب بلند چپق نیز با کنده‌کاری آرایش می‌یافت یا به صورت مارپیچ در می‌آمد. علاوه بر این، مراسم پیچیده‌ای هنگام کاشت و برداشت محصول تنباکو - حتی در میان قبایلی که کشاورزی دیگری

و پرداخت افزاز اهمیت دارد. اگر مردی در جامه زیبایش بخرامد، زن او و سایر خویشاوندانش به‌خاطر شایستگی در ساختن اقلام مختلف اعتباری کسب می‌کنند. در جنوب شرقی، سفالگران قبیله پائیلو با همدیگر به رقابت برمی‌خیزند تا نشان دهند چه کسی می‌تواند ظرف‌ترین و پیرایش‌یافته‌ترین سفال را بسازد. باردیگر، تکبر در استادانه ساختن افزار باحیثیت مربوط می‌شود. این روزها کارگرانی در نقره‌کاری، کنده‌کاری، سبدهافی و سرامیک در تمام نقاط کشور وجود دارند که هنوز از ساختن جنس نامرغوب امتناع می‌ورزند، با وجود این که می‌دانند کارشان به‌جهانگردانی فروخته می‌شود که در بیشتر موارد از مهارت فنی که در ساخت جنس به‌کار رفته است تمجید نمی‌کنند.

ندارند - انجام می‌گرفت. برای مثال قبیله کرو^{۱۴} به پوشاک ویژه نقاشی شده و طلسم‌های متنوع که همه به کشت تنباکو مربوط می‌شد تکامل بخشیدند.

مقایسه مشابهی می‌توان بین قاشقها و ظروف چوبی که در سواحل شرقی تا جلگه شرقی به‌کار می‌رود انجام داد. ظروف و قاشقهایی که برای استفاده روزمره در نظر گرفته شده‌اند اغلب از چوب نرم‌اند که خیلی ساده تراشیده شده‌اند. در مقابل آنهایی که برای مراسم باشکوه جادوگری، رقص مذهبی رؤیا و سایر وظایف مهم مذهبی تخصیص یافته‌اند، اغلب از چوب گره‌دار درختان ساخته و با اشکال انسان و حیوان‌ترین می‌شد. گهگاه ظروف و قاشقهای مصرف روزانه نیز از گره‌های تریب‌شده چوب ساخته می‌شد، اما کاش همیشه به‌سوی پیرایش ماهرانه اشیاء مقدس بود.

رؤیا و ماسک

ابداعی‌ترین محصولات هنری که به وسیله سرخ‌پوستان آمریکایی تولید شده، اشیایی است که جنبه دینی دارند و الگوی غیرروحانی ندارند. این اشیاء در رؤیا الهام شده‌اند و منحصرأ برای مقاصد مذهبی کمال یافته‌اند. صورتکهای اسکیموهای آلاسکا با اشکال بی‌نهایت متنوع در زمره تخیلی‌ترین هنرهایی است که در دیگر جاهای جهان تهیه می‌شوند. به لحاظ این که صورتکها به وسیله گروهی از مردم نسبتاً مشابه، که در منطقه‌ای تقریباً کوچک از سواحل آلاسکا زندگی می‌کنند، تهیه شده‌اند،

تنوع خیالی فرم‌هایشان به‌راستی حیرت‌انگیز است. اسکیموهای آلاسکا، ساکن در منطقه‌ای بسیار کوچک، تقریباً ابهام تخیلی بیشتری در تکامل‌کننده‌کاری صورتکها در قیاس با تمام آفریقا به‌وجود آورده‌اند.

در سواحل شمال شرقی اقیانوس آرام، بویژه در میان گروه‌های شمالی - تلینگیت^{۱۵}، تسیمشیان^{۱۶} و هایدا^{۱۷} - شامان (طیب جادوگر) اساساً مسئول معالجه بیماری بود. هر شامان یک یا چند شیخ داشت که به او در شتابخشیدن و در پیدا کردن اشیاء گمشده و یا حتی پیش‌گوئی آینده‌نیرو می‌بخشید. شبش ورد و ذکر مناسب و نیز وسایل خاص مراسم از قبیل زنگوله، روسری، طلسم عاج و نقاشی روی طبل یا دامن را به او می‌داد. بعضی از این صورتکهای شامان، ماسکهای کوچک و طلسمات، از زمره بهترین کارهایی است که در منطقه تهیه می‌شود. طرفهای جنوب، در میان مردم سالیش^{۱۸} زبان، شکل مخصوصی از گرز، عصای رقص، یا صورتک به‌صاحب خواب آشکار می‌شد، اما اینجا، تقریباً هر کسی برای خودش شیخی داشت که به شکل روح شخص کمک‌کننده‌ای

- 12 - Kinnikinnik.
- 13 - Pipestone.
- 14 - Crow.
- 15 - Tlingit.
- 16 - Tsimshian.
- 17 - Haida.
- 18 - Salish.

ظاهر می‌شد. در سراسر دشتهای وسیع، طرحهایی که روی سپرها نقاشی می‌شد از اشباح گرفته شده بود.

در میان سرخ‌پوستان ایروکوئیز^{۱۹} از بخش بالائی ایالت نیویورک و قسمتهایی از کانادا، چنین به نظر می‌رسید که صورتکهای چوبی کنده کاری شده قسمتی از رسم باستانی باشد. صورتکها اساساً در مراسم معالجه که اصول آن در اسطوره‌شناسی آمده است به کار برده می‌شود. بنابراین موجود مردی که صورت کاذب را به خواب می‌بیند بیدارنگ به ساژمان ماسک‌زدگان پزشکی ملحق می‌شود. در هر صورت اعضا نیز از میان مردمی که به وسیله مراسم اجتماعی معالجه شده‌اند انتخاب می‌شوند. صورتکها بی‌نهایت متنوع‌اند و در حدود تعیین شده، چون شکل خاص آن بر اساس تجربه کسی که خواب دیده است معلوم می‌شود. اعضای ساژمان ماسکهایشان را در مراسم سالانه، برای پاک کردن دهکده از بلا و بیماری به صورت می‌زنند، و در وقتهای دیگر فراخوانده می‌شوند که راه علاجی بیابند. زمانی، این ماسکها را با مراسم پرستش خاصی با سوزاندن تنباکو روی درخت زنده کنده کاری می‌کردند. امروز این رسم دیگر انجام نمی‌شود. بیشتر گروههای ایروکوئیز هنوز ماسکها را به عنوان عامل مهم در مراسمشان به کار می‌برند، اما عده انگشت‌شمارکننده کار حرفه‌ای تعداد زیادی از آنها را برای فروش تهیه می‌کنند.

جامعه به عهده داشت به حیات خود ادامه داد. هجوم سیل آسای اروپاییان به آمریکای شمالی اثر وسیعی بر فرهنگهای بومی سرخ‌پوستی گذاشت. این باعث یک رشته جا به جایی شد و سرخ‌پوستان را واداشت تا از محیط قدیمی خود به سرزمینهای جدید کوچ کنند. بعضی قبایل مثل کی کاپو^{۲۰}، که اصلاً در ویسکانسین زندگی می‌کردند، به طرف میسوری و تکزاس حرکت کردند، و اکنون در میشیگان، کاتزاس، اوکلاهما و مکزیک سکنی گزیده‌اند. فرهنگشان بالاجبار اندکی در محیط جدید به خاطر کاربرد مصالح تازه، تبادل فرهنگی با گروههای سرخ‌پوست که در جریان حرکتشان با آنها مواجه شدند و نفوذهای غیر سرخ‌پوستی تغییر کرد.

یکی از دلایل عمده از هم پاشیدن فعالیتهای مراسم مذهبی و حرفه‌ای اکثر گروههای قبیله‌ای آن است که تغییرات ناشی از فرهنگ‌پذیری نیاز به مفاهیم قدیمی را از دست دادند. در دشتهای وسیع بعد از سالهای ۱۸۹۰ که سرخ‌پوستان را در محل‌های حفاظت شده قرار دادند، آنان نیاز به طلسم‌های جنگی محافظ و افسونهای شکار را از دست دادند. مراسم جنگ کاملاً حذف شد و شکار، با مقایسه با نقش عمده‌ای که قبل از دوران محل‌های حفاظت شده داشت، به صورت فعالیتی جزئی درآمد. رؤیای آفرینش هنری اهمیت کمتری یافت، سپرها و گرزهای

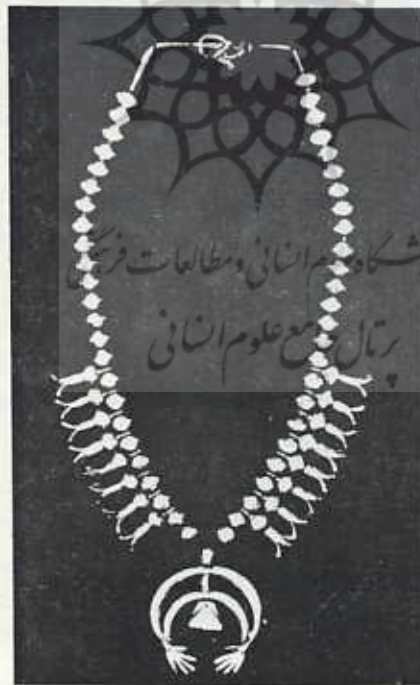
نفوذهای جدید فرهنگی

آفرینش هنری تا آنجا که رسالتی را در

19 - Iroquois.

20 - Kickapoo.

عكس روبرو :
 ماسك متحرك از
 قبیله كواكیلت
 عكس پائین :
 سرچینی چوبی از
 قبیله تلینگیت
 عكس پائین وسط :
 گردنبند نقره از
 قبیله ناواجو
 عكس پائین چپ :
 نورمن قدر نویسنده
 مقاله و چند اثر
 سرخپوستی



جنگی دیگر مورد احتیاج نبود، و شوراهای نظامی منحل گردید زیرا وظیفه مفیدی انجام نمی داد.



سرخپوستان از پوست بوفالو (قبیله کرو)

سرخپوستان شیوه های نقره کاری را از سفیدپوستان فرا گرفتند، و شروع کردند که زیورآلات خود را خودشان بسازند. ما اغلب از نقره کاری «سنتی» ناواجو صحبت می کنیم، با وجود این که سنت در حدود سال ۱۸۵۳ شروع شده بود، و یک برداشت کلی از پیش شناخته شده بود. بهر حال، ناواجوها نه تنها اقتباس کننده سنت های دیگران بلکه بدعت گذار نیز بوده اند. فکر زیورآلات نقره ای که ناواجوها از سرخپوستان دشتهای وسیع و از اسپانیاییها جنوب شرقی اقتباس کردند، به زودی به شکل بی نظیری از هنر ناواجوها تبدیل یافت. این در مورد سایر کارهای نمونه ناواجوها از قبیل: پتوبافی، نقاشی روی شن نیز (که از همسایگان هوپی آموخته بودند) صادق است. ناواجوها فکر اساسی را اقتباس کردند، و سپس آشکارا آنرا به چیزی از آن خود کمال بخشیدند.

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

به طور خلاصه، می بینیم که سرخپوستان تمایلی نداشتند تا آنجا که فرصت و مصالح اجازه بدهد تقریباً آنچه را خود به کار می بردند زینت بدهند. از نظر سرخپوستان آمریکا انگیزه پیراستن اشیاء با در نظر گرفتن اشتیاق آنان برای حیثیت، خودخواهی و تکبر در خلافت هنری، و پیش کشی هدیه به کسانی که دوست دارند یکسان نیست. هنری اصیل و مؤثرتر است که معمولاً با مذهب ارتباط پیدا کند، و عموماً از طریق رؤیا الهام شود. روند کنند و متناوبی از

ترجمه ناصر کوه گیلانی